خبر

رئیس جمهور:

حقوق باید بر مبنای فایده شود، نه پست و مقام

رئیس جمهور روز گذشته در جلسه هیأت دولت، با اشاره به این‌که بارها تکرار کرده‌ام که تورم زاییده رفتار خود ماست، اظهار کرد: ساختار فربه دستگاه‌ها، باعث افزایش هزینه‌های جاری می‌شود و این افزایش هزینه‌ها یکی از دلایل جدی ایجاد کسری بودجه هستند؛ از سوی دیگر بدون توجه به منابع، توقعاتی ایجاد می‌کنیم که نتیجه آن انبوه طرح‌ها و پروژه‌های نیمه‌تمام پراکنده در سراسر کشور است. دکتر مسعود پزشکیان با بیان این‌که همه دستگاه‌ها باید با لحاظ دقیق منابع واقعی و قابل تحقق، اقدامات و برنامه‌های توسعه‌ای داشته باشند، افزود: اگر واقعا دل‌مان برای مردم و مملکت می‌تپد، باید همه تلاش خود را برای سامان دادن به ناترازی منابع و مصارف به‌کار بگیریم.

دکتر پزشکیان همچنین با بیان این‌که باید از خودمان شروع و ساختار اداری را براساس کارآمدی و ارتقای بهره‌وری اصلاح کنیم، تصریح کرد: باید بر مبنای مدیریت عملکردی و پرداخت براساس عملکرد کار را به پیش ببریم؛ نباید پست و مقام مبنای دریافت حقوق باشد بلکه هرکس باید به اندازه باری که از دوش مجموعه خود برمی‌دارد و فایده‌ای که برای سازمان دارد، حقوق دریافت کند.

خالد قدومی، نماینده جنبش حماس در گفت‌وگو با «جام جم» آخرین تحولات مربوط به غزه را تشریح کرد

نسل‌کشی بانقاب آتش‌بس

مریم شریف‌زاده
گروه سیاسی

در سایه تداوم فاجعه انسانی غزه و در حالی که جامعه جهانی مشغول سنجش نتایج و تبعات قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل (با محوریت طرح پیشنهادی آمریکا) است، جنبش مقاومت فلسطین بر موضع خود پافشاری می‌کند. جام‌جم در مصاحبه اختصاصی با خالد قدومی، نماینده جنبش حماس در ایران، در برهه‌ای که آتش‌بس شکننده است و آینده مدیریت غزه، خروج نیروهای اشغالگر و سرنوشت سلاح مقاومت در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، انجام شده است. قدومی در این گفت‌وگو، با تشریح دلایل پذیرش آتش‌بس اولیه - که تنها به منظور «جلوگیری از نسل‌کشی بیشتر» صورت گرفت - به تندی طرح‌های بین‌المللی، به‌ویژه ایده «نیروهای حافظ صلح» تحت سرپرستی آمریکا را به چالش می‌کشد و آن را یادآور مداخلات استعماری گذشته می‌داند. این مصاحبه خطوط قرمز مقاومت را شفاف می‌کند؛ خطوطی که عبور از آنها، به‌ویژه در مورد خروج کامل اسرائیل و استقلال تصمیم‌گیری غیرقابل چشم‌پوشی است. نماینده حماس، در این مصاحبه تأکید می‌کند که هرگونه سازوکار بین‌المللی در غزه، به‌ویژه نیروی حافظ صلحی که با طرح ترامپ همخوانی دارد، به دلیل عدم شفافیت، تداعی‌کننده سیاست‌های اشغالگرانه است و خروج کامل نیروهای اسرائیلی از غزه شرط اولیه هرگونه توافق در مرحله دوم مذاکرات خواهد بود. او با اشاره به قربانی شدن بیش از ۲۰ هزار کودک و تخریب زیرساخت‌ها، اعلام کرد که نقض‌های مکرر آتش‌بس از سوی اسرائیل نشان می‌دهد که مرحله اول توافق هنوز عملی نشده و ورود به مسائل امنیتی و مسأله سلاح در این شرایط «غیرممکن» است. در ادامه متن کامل این مصاحبه را با یکدیگر می‌خوانیم:

به عنوان سؤال اول بفرمایید چرا مقاومت درنهایت تصمیم گرفت آتش‌بس را بپذیرد؟

مقاومت به این خاطر آتش‌بس را پذیرفت که جلوی نسل‌کشی بیشتر را بگیرد. این جنگ باید به نفع مردم به پایان می‌رسید و راه‌حل سیاسی عادلانه و منصفانه برای جامعه ما در غزه زیر محاصره حاصل شود، به‌خصوص بعد از قربانی‌های فراوان. باید توجه شود که در این جنگ اخیر ۷۰ هزار شهید داشتیم که ۲۰ هزار نفر از آنان کودک هستند و ۷۰ درصد شهدا را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. همچنین رژیم کودک‌کش صهیونیستی تقریبا تمام زیرساخت‌های غزه را از بین برد.

اکنون در این شرایط بحرانی، مهم‌ترین دغدغه مقاومت چیست؟

الان مهم‌ترین مسأله این است که به مرحله دوم برسیم؛ مرحله‌ای که آغازش خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از غزه بوده و این خط قرمز است. اولا صحبت از قرارداد بین‌المللی و نیروهای بین‌المللی که آن هم فاقد اجماع ملی است؛ باید پس از خروج نیروهای صهیونیستی مطرح می‌شد. ثانیا فلسطینی‌ها کلا موافق نیستند، چون ما از جزئیات مطلع نیستیم. این‌که اساسا صلاحیت، امکانات و محل استقرار این نیروها کجاست؟ آیا در نوار مرزی خواهد بود یا داخل غزه؟ چه تفاوتی میان به‌اصطلاح مجمع امن که داخل است، جایی که حدود ۲۰۰ سرباز آمریکایی با حضور نیروهای رژیم و نمایندگان چند کشور عربی و اسلامی در مناطق اشغالی فلسطین حضور دارند، وجود دارد؟

یادآوری می‌کنیم همین «مجمع امن» در اربیل عراق منجر به تقسیم عراق شد؛ زمانی که نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق بودند. بنابراین این یک مجمع امن تحت سرپرستی آمریکا و همان نیروهای بین‌المللی موسوم به حافظ صلح است؛ نیروهایی برای حفظ امنیت مرز یا مدیریت داخل غزه که این کلا مبهم است.

واکنش قدرت‌های جهانی مانند روسیه و چین را در این فرآیند چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما دیدیم که حتی روسیه و چین مواضع سیاسی‌شان را بیان کردند؛ با این‌که وتو نکردند اما اگر سخنرانی‌های‌شان را ملاحظه کنید، متوجه می‌شوید که کلا علیه این قرارداد بوده‌اند. یک نماینده روس گفته بود آمریکایی‌ها حتی زمان ندادند که ما این قرارداد یا این پیش‌نویس را بخوانیم و بدانیم چیست.

بعد گفته می‌شود چاره‌ای جز حضور نیروهای بین‌المللی نیست؛ یعنی طرف سوم منازعه. نیروهای رژیم داخل غزه و نیروهای بین‌المللی داخل غزه، اگر بنا به حضور نیروهای مرزبان باشد که نیروهای انتظامی آنجا فعال هستند، با تشکیل یک کمیته اداری تکنوکرات که به پیشنهاد مصر مطرح شد و ما با آن موافقت کردیم. حتی شخصیت‌های مورد نظر تعیین و از میان ۴۰ شخصیت هشت اسم انتخاب شدند برای مدیریت و بازسازی غزه و ورود کمک‌های بشردوستانه.

آیا از نظر شما رژیم صهیونیستی به‌طور کامل تفاهم توقف جنگ را نقض کرده است؟

بالاخره این رژیم مجرم و فاسد نمی‌بیند که خودشان می‌کشند یا فلسطینی‌ها. صهیونیست‌ها، این نازی‌های امروزین، هولوکاست را در ابعاد گسترده‌ای در غزه اعمال می‌کنند. در تفاهم فعلی توقف جنگ که همین تفاهم را اسرائیل نقض کرده و هنوز مرحله دوم آغاز نشده، به سراغ مسائلی مانند خلع سلاح و مسائل بالقوه امنیتی رفته‌اند که اصلا نمی‌شود اعمال کرد. تجربه تلخ عراق، افغانستان و هر جای دنیا نشان می‌دهد بدون تفاهم، صلح تحقق نمی‌یابد.

مواضع سیاسی چین و روسیه روشن است. نماینده پاکستان هم گفته این قرارداد علیه قوانین بین‌المللی است. چین نیز همین را گفت. در این قرارداد چیزی به نام کشور مستقل و آزاد فلسطین ذکر نشده. الجزایر گفت ما چند پیشنهاد دادیم؛ بعضی اعمال شد و بعضی نشد. متوجه شدیم همه با هم نمی‌خواهند علنا با ترامپ مخالفت کنند ولی خود پیشنهاد هم خوب نبود و شامل نکات حیاتی نبود: قوانین بین‌المللی، تکمیل تفاهم توقف جنگ، توقف نسل‌کشی، تشکیل کشور مستقل فلسطین، خروج نیروهای رژیم از غزه، بیان حاکمیت غزه. موضوع نقش نیروهای بین‌المللی که موضوع اصلی قطعنامه است هم روشن نبود.

حتی کسانی که به این قطعنامه رأی مثبت دادند در بیانیه خود مخالف آن بودند. موضع اصلی ما این است: هر قرارداد باید هدفش خروج نیروهای رژیم صهیونیستی، توقف کامل جنگ، باز شدن گذرگاه‌ها و ورود کمک‌ها باشد. قرار بود روزانه ۶۰۰ کامیون رایگان وارد غزه شود ولی تا حالا فقط ۶۰۰ کامیون تجاری فرستاده‌اند که مردم باید بخرند؛ یعنی یک بازی از طرف اسرائیل.

ذره‌بین

سخنگوی وزارت خارجه:

مذاکره‌ای بین ایران و آمریکا وجود ندارد

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سؤال خبرنگاران راجع به ادعای رئیس جمهور آمریکا درباره مذاکره با ایران گفت: در حال حاضر هیچ فرآیند مذاکراتی بین ایران و آمریکا وجود ندارد. سخنگوی وزارت خارجه با اشاره به سابقه بدعهدی‌ها و زیاده‌خواهی‌های مکرر آمریکا تصریح کرد: همان‌طور که وزیر خارجه نیز بارها تأکید کرده است مذاکره با طرفی که قائل به دوسویه بودن امر مذاکره نبوده، به عمل خلاف خود در تجاوز نظامی علیه ایران و کشتار فرزندان ایران مباهات می‌کند و به‌وضوح دنبال دیکته کردن خواسته‌های خود است، توجیه منطقی ندارد. سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به پرسش دیگری در مورد پیام ارسالی از سوی رئیس جمهور کشورمان به ولیعهد عربستان و ارتباط آن با سفر بن سلمان به آمریکا گفت: پیام رئیس جمهور به ولیعهد عربستان که توسط رئیس جدید سازمان حج و زیارت کشورمان تسلیم شده است، صرفا محتوای دوجانبه داشته و حاوی قدردانی جمهوری اسلامی ایران از عربستان به‌خاطر خدمات ارائه‌شده به حجاج ایرانی در جریان مراسم حج سال گذشته و اهمیت استمرار همکاری‌ها و هماهنگی‌ها برای برگزاری موفق مراسم حج امسال بوده است.

اصرار غرب بر قطعنامه ضدایرانی

تروئیکای اروپایی باردیگر با همراهی ایالات متحده درصدد پیشبرد قطعنامه‌ای جدید علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است؛ اقدامی که از دید تهران نشانه استمرار سیاست فشار و بی‌توجهی اروپا به ضرورت احیای مسیر دیپلماسی در یکی از حساس‌ترین پرونده‌های فنی-سیاسی جهان است.

فرانسه، آلمان و انگلیس پیش‌نویس قطعنامه‌ای علیه ایران را آماده کرده‌اند که قرار است در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در حال برگزاری است ارائه شود. این پیش‌نویس بر پایه گزارش اخیر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنظیم شده است و بر ضرورت دسترسی فوری آژانس به اطلاعات دقیق درباره ذخایر مواد هسته‌ای اعلام‌شده ایران تأکید دارد. در متن پیش‌نویس این قطعنامه آمده ایران براساس تصمیمات بین‌المللی باز اعمال‌شده در سپتامبر ۲۰۲۵، موظف به تعلیق تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه و پروژه‌های مربوط به آب سنگین است. همچنین از ایران خواسته شده مطابق پروتکل الحاقی عمل کند و اطلاعات کامل درباره وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده و تأسیسات تحت پادمان را در اختیار آژانس قرار دهد.

گروسی: بازرسان آژانس به ایران بازگشته‌اند

در همین ارتباط روز گذشته مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست فصلی شورای حکام گفت: بازرسان ما به ایران بازگشتند و در تأسیساتی که تحت‌تأثیر حملات ماه ژوئن قرار نگرفته بودند، بازرسی‌هایی انجام دادند اما برای بازگرداندن بازرسی‌های کامل، تعامل بیشتری لازم است.

رافائل گروسی در این نشست مدعی شد: برای بازگرداندن بازرسی‌های کامل از جمله در سایت‌های آسیب‌دیده، به تعامل بیشتری نیاز است تا ایران تعهدات خود ذیل توافق‌نامه پادمان در چارچوب معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) را اجرا کند. وی افزود: من در تماس منظم با تهران هستم و از ایران می‌خواهم دسترسی آژانس به تأسیسات آسیب‌دیده، به‌ویژه موجودی‌های اورانیوم با غنای پایین (LEU) و اورانیوم با غنای بالا (HEU) را که وضعیت آنها باید به‌طور فوری مورد رسیدگی قرار گیرد تسهیل کند.

گفتنی است همکاری‌های ایران و آژانس در پی حملات غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان و قانون مصوب مجلس شورای اسلامی برای توقف همکاری در صورت اجرا نشدن تعهدات طرف‌های مقابل، با محدودیت‌هایی مواجه شد. پس از آن مذاکراتی میان ایران و آژانس درباره نحوه ادامه تعاملات در چارچوب حقوقی موجود انجام شد که در تاریخ ۱۸ شهریور جاری به یک تفاهم فنی انجامید. با این حال، تصمیم اروپا برای فعال‌سازی سازوکار «ماشه» موجب شد اجرای این توافق به حالت تعلیق درآید.

یادداشت

دکتر حسن عابدینی | معاون سیاسی رسانه ملی

قبض و بسطی صرفا سیاسی

سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه از سال ۸۲ به‌صورت مستمر یک پرونده غیرحقوقی و مبتنی بر تبلیغات رسانه‌ای را در حوزه هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک دیدند. سپس آمریکا و رژیم صهیونیستی- که پیشتر به صورت پنهانی هدایتگر این جریان بودند- وارد عمل شدند و یک بلوک سیاسی را سازماندهی کردند و این روند تا امروز ادامه دارد. این موضوع کاملا سیاسی و رسانه‌ای است، نه حقوقی و فنی. اقدام اخیر هم در همین چارچوب قابل تحلیل است.

در یک مقطع، در چارچوب مدالیته این پرونده بسته می‌شود اما غربی‌ها بعد از مدتی دوباره آن را باز می‌کنند. زمانی که برجام اتفاق افتاد، پرونده را تحت عنوان PMD می‌بندند و احتمال به‌اصطلاح «بحث‌های غیرنظامی» را منتفی اعلام می‌کنند اما بعدا دوباره آن را باز می‌کنند. بنابراین قبض و بسط کردن یک موضوع نمی‌تواند ریشه حقوقی و فنی داشته باشد. این نکته اول است.

نکته دوم این‌که نقشی که آژانس طی بیش از ۲۰ سال گذشته ایفا کرده، یک نقش مخرب بوده. این مسأله، هم در گزارش‌های آژانس مشخص است و هم در موارد متعدد شاهد بوده‌ایم اصل محرمانگی رعایت نشده و پیش از آن‌که موضوع در اختیار کشورهای عضو و گزارش بازرسان قرار بگیرد، در اختیار رسانه‌ها و رژیم صهیونیستی گذاشته شده است.

موضوع بعد مربوط به این است که در موارد متعدد شاهد بوده‌ایم برخی بازرسان نقش جاسوس و حتی خرابکار را ایفا کرده‌اند. مثلا دزدیده شدن سندی که نباید از داخل سایت هسته‌ای خارج می‌شد. یکی از بازرسان این سند را برمی‌دارد و می‌برد و زمانی که ایران به‌واسطه فیلم دوربین‌ها متوجه می‌شود، آژانس عذرخواهی می‌کند. یا در سایت نطنز شاهد بودیم یکی از بازرسان خانم تلاش می‌کند مواد حاوی نیترات را به سایت هسته‌ای وارد کند که می‌توانست عواقب بسیار خطرناکی داشته باشد.

رفتار اخیر آژانس نیز در همین چارچوب قابل طرح است؛ یعنی اقدامی برای ایجاد تنش و به‌درازا کشاندن موضوع هسته‌ای ایران. در حالی که ایران همواره اعلام کرده به سه دلیل دنبال مباحث هسته‌ای غیرصلح‌آمیز نیست.

۱. فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی چنین چیزی را ممنوع می‌داند.

۲. سلاح اتمی اصلا در دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد.

۳. بیش از ۳۵ گزارش آژانس و سه گزارش جامعه اطلاعاتی و امنیتی آمریکا نشان می‌دهد هیچ‌گونه انحرافی وجود نداشته است. حتی مقامات آمریکایی در جلسات استماع کنگره نیز صراحتا این موضوع را تأیید کرده‌اند اما متأسفانه در آژانس می‌خواهند این پرونده دائما باز باقی بماند.

این مسأله ادامه پیدا خواهد کرد. استنباط من این است که کار آنها، مانند اقدام اخیر کشورهای اروپایی در آژانس در همین چارچوب قابل تحلیل است. وگرنه دونالد ترامپ مدعی شده توانسته سایت‌های هسته‌ای ایران را از بین ببرد! خب اگر توانسته آنها را از بین ببرد، دیدن یک ویرانه چه اثری برای‌شان دارد و چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟ مگر نمی‌گویند بمب‌های سنگرشکن‌شان توانسته توان هسته‌ای ایران را به صفر برساند؟ اگر حرف‌های ترامپ درست باشد، پس دیگر اصلا نیازی به ادامه بازرسی‌ها نیست و باید پرونده هسته‌ای ایران را ببندند.

نکته دیگر این‌که از آغاز اجرای برجام تا امروز بیش از ۱۰ سال گذشته. بنابراین اصلا چیزی تحت عنوان دنبال کردن برجام باقی‌نمانده. جمهوری اسلامی فقط در چارچوب پادمان عمل می‌کند و بازرسان فقط در جاهای پادمانی حق بازدید دارند، نه فراتر از پادمان و نه طبق آنچه در برجام گفته شده بود.

درواقع موضوع بازرسی نیست. آژانس بهتر از هر کس دیگری می‌داند ایران هیچ‌گونه انحرافی نداشته است. حتی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا هم این را می‌دانند. بنابراین بحث «بازرسی کردن یا نکردن» نیست بلکه فقط بهانه‌ای برای ادامه فشار و استمرار یک پرونده جعلی است که صرفا برای گشودن یک موضوع فراروی جمهوری اسلامی ایران از آن استفاده می‌شود.

یادداشت

دکتر فؤاد ایزدی | استاد دانشگاه

توهم سیاسی مذاکره‌پذیری آمریکا

ترامپ در اظهارات اخیر خود دوباره ادعا کرده که ایران خواستار مذاکره است و حتی مدعی شده که مذاکراتی میان ایران و آمریکا در جریان است؛ در حالی‌که وزارت خارجه ایران امروز این ادعا را تکذیب کرد. پرسش این است که هدف ترامپ از این رفتار متناقض چیست؟ این‌که هرازچندگاهی لحن تهدیدآمیز به کار می‌برد و در زمان دیگری ادعای مذاکره می‌کند، چه دلیلی دارد؟

موضوع این نوسان‌ها چیست و اصلا چرا سخن از مذاکره به میان می‌آید؟ اگر این افراد مدعی‌اند که همه چیز را از بین برده‌اند، باید گفت که اولا دانش را نمی‌توان از میان برد. ثانیا در ذهن آمریکایی‌ها این تصور شکل گرفته که ایران ضعیف شده و اکنون زمان مناسبی است؛ هم برای حمله نظامی به ایران و هم برای گرفتن امتیازاتی که ایران در شرایط عادی حاضر به واگذاری آنها نیست.

از این‌رو طرف آمریکایی سخن از مذاکره می‌کند اما در واقع منظور آنها مذاکره واقعی نیست؛ بلکه هدف اصلی، تسلیم ایران و وادار کردن آن به تمکین در برابر خواسته‌های آمریکاست؛ نه فقط در حوزه هسته‌ای، بلکه در حوزه موشکی، سیاست خارجی و سایر بخش‌ها. دلیل این فشارها نیز روشن است: هدف‌شان تجزیه ایران است و تنها مانع تحقق این هدف، جمهوری اسلامی است.

آنها قصد دارند حکومت ایران را سرنگون کنند اما همان‌طور که دیدید، با وجود حملات، نه فقط حکومت سرنگون نشد بلکه حتی انسجام بیشتری پیدا کرد و اهداف آنان هم تحقق پیدا نکرد. اکنون این احساس را دارند که تا سه سال آینده، یعنی در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، «پرونده ایران» باید بسته شود. برای بستن این پرونده، ایران باید ضعیف شود و این امر زمانی محقق می‌شود که اهرم‌های قدرت ایران از آن گرفته شود؛ مثلا قدرت موشکی‌اش تضعیف گردد.

در این میان پیام‌هایی که از داخل کشور مخابره می‌شود - ازجمله سخن گفتن برخی درباره مذاکره، تغییر پارادایم و... - پیام‌های غلطی است که طرف آمریکایی دریافت می‌کند. فشار گروه‌هایی در داخل که عملا در جهت منافع آمریکا حرکت می‌کنند، به ترامپ خوراک رسانه‌ای می‌دهد تا ادبیات فشار و تسلیم‌طلبی را تقویت کند. هدف این روند، گرفتن امتیازاتی است که در نهایت کشور را تضعیف کرده و مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی و سپس تجزیه ایران را هموار سازد. این طراحی کلی است که وجود دارد و این درک صحیح مسأله است.

اما درک غلط چیست؟ این‌که هر بار وانمود شود فرصتی در حال از دست رفتن است. این مشکل سال‌هاست که وجود دارد. به‌دلیل رقابت‌های سیاسی و فشارهای اقتصادی بر مردم، برخی سخنان غیرواقعی بیان می‌شود و نوعی «توهم‌فروشی» شکل می‌گیرد؛ ازجمله این‌که خود شخص ترامپ به‌نوعی به دنبال صلح است اما نظام سیاسی آمریکا و لابی صهیونیسم مانع کار هستند. در حالی‌که اساسا تفاوتی میان اینها وجود ندارد.

این نوع تفکیک‌ها پیش از جنگ تحمیلی نیز وجود داشت. ترامپ و نتانیاهو در موضوع فرماندهی حمله اسرائیل هم‌راستا بودند. حال اگر سیاستمدار یا چهره‌ای رسانه‌ای بگوید که «ما با آمریکا مذاکره می‌کنیم و آمریکا به تعهدات خود پایبند خواهد بود»، این صرفا توهم است. اگر کسی تاریخ آمریکا را مروری اجمالی کرده باشد، درمی‌یابد که آمریکایی‌ها در تاریخ خود هیچ‌گاه به تعهدات‌شان پایبند نبوده‌اند؛ نه پیش از این، نه اکنون و نه در آینده.

بنابراین موضوع مذاکره با آمریکا چیزی جز یک توهم سیاسی نیست؛ هرچند ممکن است در فضای داخلی برای اهداف سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.